

# The Ancient Zaydi's Belief of Imamate and Mahdism On the Basis of Abū Sa'īd Rawajinī's “Akhbār al-Mahdī”

## Research Article

Emamat Pajouhi  
Tenth Year, Vol. 1  
Spring & Summer 2020  
DOI:10.22034  
jep.2021.249830.1232  
jep.emamat.ir



Mohammad Ali Movahhedi<sup>1</sup>

Mohammad Hossein Heshmat Poor<sup>2</sup> / Mohammad Kazem Rahman Setayesh<sup>3</sup>

### Abstract:

Despite the fundamental difference of some issues on the Imamate and Mahdism between the Imamites and Zaydites, the extant accounts demonstrate a close convergence between them. The convergence that increased in the occultation era by the composition of Hadith compilation, is accused of not being authentic by some orientalists. Indeed, the reconstruction of the lost works of the ancient Zaydite scholars and study of them is useful to find the convergence and response to the orientalists' claims. Abū Sa'īd Rawajinī, the Zaydite scholar at the time of presence of Imams, played a vital role in the transmission of Zaydite Hadith heritage to the next generation by composing some specialized books in Imamate and Mahdism. The reconstruction of his monograph “Akhbār al-Mahdī” not only approve the existence of some Imamite beliefs on Imamate and Mahdism in the time of presence of Imams, but assert the convergence between the Imamite and Zaydite in this era. The number of the Imams as twelve men, their ancestry, the long occultation of Mahdī, and his hidden birth, are the main advantages of this reconstruction.

**Keywords:** Zaydite, Reconstruction of the Mahdism Monograph, ‘Abbād b. Ya'qūb, Akhbār al-Mahdī book

---

1. PhD Candidate of Islamic Theology, University of Qom (Corresponding Author).  
movahhedima@gmail.com

2. Associate Professor of Islamic Philosophy and Theology, University of Qom . mhhemails@yahoo.com

3. Assistant Professor of Quran and Hadith Science, University of Qom. Kr.setayesh@gmail.com

# العقائد الإمامية والمهدوية عند الزيدية الأوائل بالاستناد إلى إعادة صياغة كتاب (أخبار المهدي) لأبي سعيد الرواجني

محمد علي موّدي<sup>١</sup> /

محمد حسين حشمت بور<sup>٢</sup> / محمد كاظم رحمن ستايش<sup>٣</sup>

مقالة محكمة

امامت پژوهشی  
السنة العاشرة  
العدد الأول، ربيع  
وصيف سنة ٢٠٢٠  
jep.emamat.ir



## ملخص

بالرغم من الاختلافات الأساسية في بعض البحوث المتعلقة بالإمامة والاعتقاد بالقائم عند الإمامية والزيدية فإن ثمة تقارير تشير إلى التشابه الكبير بين هذين الفريقين. وهذا التشابه الذي ظهر بوضوح في عصر الغيبة مع كتابة المصادر الحديثية والمؤلفات الخاصة من قبل كتاب الإمامية أتهم من بعض المستشرقين بعدم الأصالة وفقدان الوثائق التاريخية في العصر الحاضر. ولا شك في أن إعادة هيكلة الآثار المفقودة للزيدية المتقدمين والتأخر في إصدار تقارير إعادة الهيكلة مفيد بهدف اختبار التشابه المذكور والإجابة عن الانتقادات المشار إليها. وقد لعب أبو سعيد الرواجني - العالم الزيدي المعاصر للاثمة - دوراً بارزاً في كتابة الآثار الخاصة في أهم بحوث الإمامة والمهدوية ونقل التراث الحديثي للزيدية إلى المحافل العلمية في القرون اللاحقة. إن هيكلة مُصنّفه الأحادي المسمى (أخبار المهدي) يشير إلى التشابه في عقائد الزيدية المتقدمين والإمامية الأوائل إلى جانب وجود مجموعة من العقائد المهمة حول الإمامة والمهدوية في عصر الأئمة. ومن أهم الفوائد الكلامية في إعادة صياغة الكتاب المذكور حصر عدد الأئمة عليهم السلام بالعدد (١٢) ونسبهم والغيبة الطويلة للقائم عليه السلام ولولادته سراً.

الكلمات الدليلية: الزيدية؛ إعادة صياغة المؤلفات الأحادية حول المهدوية؛ عباد بن يعقوب؛ كتاب (أخبار المهدي).

١. طالب في مرحلة الدكتوراه في الكلام الإسلامي، جامعة (قم)، قم، إيران. movahhedima@gmail.com

٢. خريج قسم الفلسفة والكلام الإسلامي، جامعة (قم)، قم، إيران. mhhemail@yahoo.com

٣. أستاذ مساعد في قسم علوم القرآن والحديث في جامعة (قم)، قم، إيران. Kr.setayesh@gmail.com

# باورهای امامتی و مهدویت زیدیه متقدم با تکیه بر بازسازی «اخبار المهدی» ابوسعید رواجنی\*

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی-پژوهشی  
امامت‌پژوهی، سال دهم  
شماره اول، شماره پیاپی ۲۷  
بهار و تابستان ۹۹  
صفحه ۱۱۹ - ۱۵۵

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.249830.1232



محمد علی موحدی<sup>۱</sup>

محمد حسین حشمت‌پور<sup>۲</sup> / محمد کاظم رحمان ستایش<sup>۳</sup>

## چکیده

به رغم تفاوت‌های مبنایی در پاره‌ای از مباحث مربوط به امامت و باورداشت قائمیت میان امامیان و زیدیان، گزارش‌های در دسترس از همگرایی در خور توجه این دو گروه حکایت دارد. این همگرایی که در عصر غیبت با تدوین جوامع حدیثی و آثار اختصاصی از سوی مؤلفان امامی، بروز و ظهور بیشتری یافت. از سوی پاره‌ای از خاورشناسان - به عدم اصالت و فقدان مستندات تاریخی در عصر حضور متهم شد. بی‌گمان، بازسازی آثار مفقود شده متقدمان زیدیه و درنگ در گزارش‌های بازسازی شده با هدف سنجش همگرایی پیش‌گفته و پاسخ به انتقادات یادشده سودمند است. ابوسعید رواجنی - عالم زیدی عصر حضور - با نگارش آثار اختصاصی در مهم‌ترین مباحث امامت و مهدویت، نقش قابل‌اعتنایی را در انتقال میراث حدیثی زیدیه به جوامع علمی سده‌های بعد داشته است. بازسازی تک‌نگاری او با عنوان اخبار المهدی، افزون بر آن که از وجود پاره‌ای از مهم‌ترین باورهای امامتی و مهدویت امامیه در عصر حضور حکایت دارد، از همگرایی زیدیان متقدم و امامیان سلف نیز سخن می‌گوید. حصر شمار امامان علی‌السلام به دوازده تن، نسب ایشان، غیبت طولانی قائم و تولد مخفی او، از مهم‌ترین فوائد کلامی بازسازی این اثر است.

**کلیدواژه‌ها:** زیدیه، بازسازی تک‌نگاری‌های مهدوی، عباد بن یعقوب، کتاب اخبار المهدی.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱۷.

۱. دانشجوی دکتری کلام اسلامی دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛ mohvahhedima@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم، قم، ایران؛ mhhemails@yahoo.com

۳. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم، قم، ایران؛ Kr.setayesh@gmail.com

## مقدمه

صرف نظر از میراث حدیثی برجای مانده از معصومین علیهم السلام، گزارش‌های تاریخی نیز از باور به امامت و مهدویت در نیمه دوم قرن نخست حکایت می‌کند. بنا بر گزارش‌های فرقه‌نگاران، چنین باوری به طور رسمی، نخستین بار در میان شیعیان بروز کرد. کیسانیان، مرگ محمد بن علی (۸۲ د ق) مشهور به «ابن حنفیه» را انکار کردند و در حالی که او را «مهدی موعود» می‌انگاشتند، قائل به غیبت او شدند.<sup>۱</sup> کمتر از نیم قرن پس از کیسانی‌ها، باور به مهدی منتظر در میان دیگر نحله‌های شیعی (جارودیه،<sup>۲</sup> بتریه،<sup>۳</sup> و سلیمانیه<sup>۴</sup>) نیز آشکارا بروز یافت. چندی بعد، مسئله امامت و شمار امامان علیهم السلام، و باور به مهدی منتظر، با گستره‌ای فراخ‌تر در میان اندیشمندان نحله‌های مختلف اسلامی پی‌گیری شد و گفتمان مهدویت، رفته رفته مورد توجه عالمان عامه نیز قرار گرفت. حجم قابل توجهی از گزارش‌های مأخوذ از صحابه و تابعان در باب شمار امامان علیهم السلام، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و خروج او، سبب شد تا اسلاف عامه، چنین باوری را نه تنها یک آموزه وارداتی از سوی شیعیان نپندارند، بلکه آن را به عنوان یک اندیشه اصیل - که ریشه در گزارش‌های مرفوع صحابه از پیامبر دارد - مورد توجه قرار دهند. از این رو، مصادر سال‌های پایانی سده دوم و منابع دهه‌های نخستین سده سوم عامه، از گزارش‌های مربوط به تعداد امامان و نیز روایات مهدوی و موضوعات مربوط به امامت، خلافت، و خروج او - از طریقی مستقل از طرق شیعیان - سرشار شد. برخی عالمان اهل سنت در همان سال‌های آغازین سده سوم به تألیفات اختصاصی در این باب روی آوردند. مُسندنگاران عامه نیز چون ابن حنبل (۲۴۱ د ق) به دفعات و به طور پراکنده به نشر روایات مهدوی پرداختند. صاحبان جوامع شش‌گانه، گاه چون

۱. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات والفرق، ۱/ ۹۰-۹۱.

۲. ابن حزم، علی، الفصل، ۴ / ۱۳۷؛ النجاشی، احمد بن علی، الفهرست، ۹۴؛ طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۷۴.

۳. النوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ص ۵۷.

۴. الأشعری، ابوالحسن، مقالات الاسلامیین، ص ۶۸؛ التمیمی، عبد القاهر طاهر البغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۲۳.

ابوداود (د ۲۷۵ ق) و ترمذی (د ۲۷۹ ق) با اختصاص ابواب مستقل و گاه چون بخاری (د ۲۵۶ ق) و مسلم (د ۲۶۱ ق) به طور پراکنده به انعکاس این احادیث همت گماشتند. احادیثی چون «یکون اثنی عشر خليفة» با الفاظی مشابه در اکثر جوامع روایی متقدم اهل سنت راه یافت.<sup>۱</sup> در همین دوران، روایاتی با مضمون خالی نماندن زمین و زمان از امام با الفاظ و طرق گوناگون در آثار اسلاف عامه ثبت گردید و به نسل‌های بعدی منتقل شد.<sup>۲</sup>

اما تا آنجا که به زیدیّه مربوط می‌شود، به رغم اختلاف مبنایی در مسئله امامت میان امامیان و زیدیان در تعیین و شرایط و اوصاف امام و نیز الهی بودن یا نبودن نصب امام، اشتراکات فراوانی میان این دو جریان فکری در مسئله امامت و حتی مهدویت پدیدار است. روایات فراوانی از رجال زیدی در آثار مهم امامیان عصر غیبت کوتاه راه یافت که هم‌پوشانی قابل اعتنایی را در پاره‌ای از مهم‌ترین مسائل کلامی امامت و مهدویت نشان می‌دهد. مانند روایات الکافی از ابوالجاءورد در باب احادیث دوازده امام، و نام ایشان. این اشتراکات با تدوین آثار اختصاصی مهدوی

۱. البخاری، محمد، الجامع الصحيح [صحيح البخاری]، ۲۶۴۰/۶؛ النیسابوری، مسلم بن حجاج، الجامع الصحيح، ۱۴۵۳/۳؛ ابوداود، سلیمان السجستانی، السنن، ۱۷۲/۴؛ الترمذی، محمد، السنن، ۵۱/۴؛ ابن حنبل، احمد، المسند، ۸۷/۵؛ سعدان، المخرمی البزاز، الجزء، ۴۷؛ الطیالسی، سلیمان، المسند، ۱۲۷/۲؛ ابن حماد، نعیم، الفتن، ۹۵/۱؛ ابن ابی شیبة، ابوبکر، المصنف، ۳۶۳/۶؛ ابن ابی عاصم، الأحاد والمثنائی، ص ۹؛ البزار، أحمد، المسند (البحر الزخار)، ۳۹/۵؛ ابوعوانه، یعقوب بن اسحاق، المستخرج، ۳۷۱/۴؛ الطبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، ۵۴/۱؛ همو، المعجم الأوسط، ۲۶۸/۶؛ الأجزی، ابوبکر، الشریعة، ص ۱۷۰۶؛ ابن بشران، عبدالملک، الأمالی، ص ۲۲۶؛ ابن أخی، محمد، الفوائد، ۱۲۸؛ ابن الجعد، علی، المسند، ۳۹۰؛ ابن بطّة، عبیدالله، الإبانة الكبرى، ۵۹۸/۹؛ ابونعیم الاصبهانی، احمد، حلیة الأولیاء، ۳۳۳/۴؛ ابن قیسرانی، محمد، تذکرة الحفاظ، ص ۴۰۵؛ همو، ذخیرة الحفاظ، ۲۷۹۵/۵؛ نک: کورانی، علی، «حدیث بشارت رسول خدا به دوازده امام در متون اهل سنت»، امامت پژوهی، ش ۱۲.

۲. الجاحظ، عمرو بن بحر، البیان والتبیین، ۱۵/۲؛ البغدادی، أحمد الخطیب، شرف اصحاب الحدیث، ص ۲۸؛ نک: رجایی، مهدیه و محمد مهدی قندهاری، «نقش احادیث مشهور در شکل‌گیری باور شیعه به پیوستگی امامت»، امامت پژوهی، ش ۱۷.

بیش از پیش بروز کرد. برای نمونه، وجود نزدیک به دویست روایت از ابن عقده کوفی (د ۳۳۳ ق) شیخ مباشر نعمانی (د ۳۶۰ ق) در الغیبه، به روشنی از وجود مشترکات فراوانِ روایی و کلامی زیدیان و امامیان حکایت دارد.

این دست از روایاتِ عالمانِ زیدی - که محدثانِ امامی از باب احتجاج و بنا بر قاعده الزام - در آثار حدیثی خود گرد آورده‌اند، از نگاه برخی از محققان معاصربه وضع متهم شده است. آنان ادعا کرده‌اند که امامیان پسین، چنین گزارش‌هایی را به ابوالجارود و دیگر چهره‌های برجسته فرقه رقیب نسبت داده‌اند تا از این راه، اندیشه‌های کلامی خود را موجّه جلوه دهند؛<sup>۱</sup> در حالی که در احادیث گزارش شده از ابوالجارود، اگر چه بر وجود اوصیاء از ذریه حضرت زهرا علیها السلام تأکید شده، اما در باب موضوع مهم و اختلافی آن روزگاران و این‌که اوصیاء از کدام نسل‌اند؟ حسنی‌اند یا حسینی؟ مطلقاً توضیحی نیامده است. این سکوت تأمل‌برانگیز در گزارش‌های یکی از مهم‌ترین چهره‌های زیدیه، طبعاً با واور آنان به عدم تمایز نسل حسنین علیهم السلام در امر وصایت، انطباقی تام دارد.<sup>۲</sup> افزون بر این، قرائن تاریخی نشان می‌دهند که باورداشتِ قائمیت از عقاید ابوالجارود و اتباع او بوده و بر همین اساس، جارودیان به طور معمول به عنوان باورمندان گفتمان مهدویت معرفی می‌شدند.<sup>۳</sup>

پژوهش حاضر، پس از پرداخت مختصری در باب شخصیت و جایگاه ابوسعید عباد بن یعقوب رواجنی (د ۲۵۰ ق) - یکی از مهم‌ترین اعیان زیدی سده سوم - و طرق انتقال میراث حدیثی او به نسل‌های بعدی، تک‌نگاری مهدوی مفقود شده او را بازسازی کرده و با استدارکی از دیگر آثار موجود و مفقود او، به تحلیل کلامی

۱. جرار، ماهر، «تفسیر ابوالجارود زیاد بن منذر، مقدمه‌ای در شناخت عقائد زیدیه»، آینه پژوهش، ۹۵ / ۵۴۶؛ رحمان ستایش، محمد کاظم و فرجامی، اعظم، «تأثیر ابوالجارود بر روایات امامیه»، علوم قرآن و حدیث، ۸۸ / ۱۱.

۲. لواسانی، سید محمد رضا، «جستاری در باور زیدیه متقدم به اخبار امامان اثنی عشر؛ مطالعه موردی ابوالجارود»، امامت پژوهی، ش ۱۲.

۳. موسوی نژاد، سید علی، «آشنایی با زیدیه»، هفت آسمان، ۸۸ / ۱۱.

روایات امامتی و مهدویتی او همت گماشته است. روایات بازسازی شده - که حکایت‌گر باورهای زیدیه متقدم و عباد بن یعقوب در حوزه امامت و مهدویت است - به روشنی باورهای مشترک امامتی و مهدویتی زیدیان متقدم با امامیان را تبیین می‌نماید و به شبهات مذکور پاسخ می‌گوید. اگرچه پیش‌تر پژوهش‌های سودمندی با هدف تبیین اشتراکات اندیشه‌های امامتی و مهدویتی امامیه و زیدیه متقدم صورت یافته است،<sup>۱</sup> اما در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین، بر بازسازی یک اثر اختصاصی مهدوی تأکید نشده و هیچ‌گاه به ابوسعید رواجی و تأثیر او در انتقال میراث حدیثی امامت و مهدویت - به طور خاص - توجه نشده است.

## ۱. شناخت ابوسعید رواجی

ابوسعید عباد بن یعقوب رواجی اسدی کوفی - متوفای شوال<sup>۲</sup> یا ذی‌العقده<sup>۳</sup> سال ۲۵۰ ق<sup>۴</sup> - از محدثان مشهور طبقه کبار آخذین از تبع اتباع تابعین است. او شیخ حدیث شمار کثیری از بزرگ‌ترین عالمان عامه چون بخاری<sup>۵</sup> (د ۲۵۶ ق)، ابن ماجه<sup>۶</sup> (د ۲۷۳ ق)، ترمذی<sup>۷</sup> (د ۲۷۹ ق)، ابوحاتم<sup>۸</sup> (د ۲۷۷ ق)، بزار<sup>۹</sup> (د ۲۹۲ ق)، طبری<sup>۱۰</sup> (د ۳۱۰ ق) و ابن خزیمه<sup>۱۱</sup> (د ۳۱۱ ق) است. از این رو، روایات او در معتبرترین

۱. نک: لواسانی، سید محمد رضا، همان؛ موسوی نژاد، سید علی، همان.

۲. البخاری، محمد، تاریخ الأوسط، ۳۹۲/۲.

۳. المزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ۱۷۹/۱۴.

۴. البخاری، محمد، تاریخ الأوسط؛ المزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال؛ الذهبی، محمد، سیر أعلام النبلاء، ۵۳۶/۱۱.

۵. نک: البخاری، محمد، الجامع الصحیح، ۲۷۴۰/۶؛ همو، تاریخ الأوسط، ۲۱۶/۲؛ همو، تاریخ الکبیر، ۴۰۴/۸.

۶. ابن ماجه، محمد، السنن، ۴۷۱/۱.

۷. الترمذی، محمد، السنن، ۳۸۳/۲؛ ۴۹۵/۴؛ ۵۹۳/۵.

۸. ابن ابی حاتم، التفسیر، ۶۴۵/۲؛ ۱۷۴۷/۶؛ نک: ابوزرعه، سؤالات البرذعی، ۵۶۶/۱.

۹. برای نمونه: البزار، أحمد، المسند (البحر الزخار)، ۱۱۶/۲.

۱۰. الطبری، محمد، تاریخ، ۱۱۸/۱؛ همو، التفسیر (جامع البیان)، ۵۶۵/۲.

۱۱. ابن خزیمه، محمد، الصحیح، ۳۷۴/۲.

آثار حدیثی اهل سنت و ورود یافته است؛ هر چند شاید به سبب اختلافات شدید کلامی صاحبان این آثار با ابوسعید،<sup>۱</sup> رقم این احادیث به طرز قابل توجهی اندک است.<sup>۲</sup> او از رؤس زیدیه و بنا بر دیدگاه برخی از اعیان معاصران سران جارودیه در عصر خود بوده است.<sup>۳</sup> از او در مصادر متقدم شیعی، هیچ‌گاه به عنوان یک عالم زیدی یاد نشده است، اما افزون بر طبقه شاگردان و به ویژه اساتید او، گزارش‌های فراوانی بر زیدی بودن او دلالت دارند.<sup>۴</sup> گویا سید بن طاووس (د ۶۶۴ ق)، نخستین عالم امامی است که در عبارتی توأم با تردید او را از اصحاب زیدیه تلقی کرده است.<sup>۵</sup> پاره‌ای از خاورشناسان نیز به زیدی بودن او تصریح کرده‌اند.<sup>۶</sup>

### ۱.۱. شخصیت حدیثی ابو سعید در نگرهٔ عالمان عامه

عالمان اهل سنت، موضع واحدی در برابر عباد بن یعقوب ندارند. اندیشمندان آقران او مانند ابوبکر بن ابی شیبه (م ۲۳۵) و هناد بن سَری (م ۲۴۳) او را تضعیف کرده‌اند. طبق گزارش ابن عدی (م ۳۶۵) ابوبکر بن ابی شیبه یا هناد بن سَری یا هر دو، عباد بن یعقوب را به فسق و بدگویی از سلف متهم کرده‌اند.<sup>۷</sup> ابن عدی پس از گزارش این مطلب، با عبارت «فیه غلوفی التشیع و روی احادیث آنکرت علیه فی فضایل اهل البیت و فی مثالب غیرهم»<sup>۸</sup> جهت اتصاف عباد به فسق را روشن می‌سازد، اما با عدم تصریح به رفض، جای بحث در خصوص مذهب او را باقی می‌نهد؛ گرچه که پیش از او، ابن حَبَّان (م ۳۵۴) با عبارت «کان رافضیاً داعیه ...

۱. نک: همان، ص ۳۷۶.

۲. برای نمونه، بخاری در الصحیح، ابن ماجه در السنن، و ابن خزیمه در الصحیح خود به نقل تنها یک حدیث از او اکتفا کرده‌اند.

۳. جاسم، حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۱.

۴. نک: الاصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، ص ۴۶۴-۴۶۵.

۵. ابن طاووس، سید علی بن موسی بن جعفر، البقیع، ص ۴۶۲.

6. Madelung, Wilfred, The sources of Ismaili law, p. 37.

۷. ابن عدی، الکامل فی ضعفاء الرجال، ۴/ ۳۴۸.

۸. همان.



یروی المناکیر عن المشاهیر فاستحق التبرک<sup>۱</sup> او را رافضی و داعی به رفض خوانده و با ذکر حدیث «اذا رأیتم معاویه علی منبری فاقتلوه» چرایی اتصاف او به رفض، و علت لزوم ترک احادیث او را بیان کرده است.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر، برخی از شاگردان عباد بن یعقوب، با آن که نسبت به رأی و مذهب او انتقادات صریحی داشتند، اما او را فردی صدوق و ثقه می‌انگاشتند. مزّی (م ۷۴۲) دیدگاه ابوحاتم (م ۲۷۷) درباره او را با عبارت «شیخ ثقه» انعکاس داده است؛<sup>۳</sup> هر چند که پسر ابوحاتم (د ۳۲۷ ق) به هنگام گزارش دیدگاه پدر، به لفظ «کوفی» و «شیخ» اکتفا کرده است.<sup>۴</sup> ابن خزیمه - دیگر شاگرد عباد بن یعقوب - نیز در صحیح خود به هنگام گزارش حدیثی از او می‌نویسد: «حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ الْمُتَمِّمُ فِي رَأْيِهِ الثَّقَّةُ فِي حَدِيثِهِ...»<sup>۵</sup>. مزّی نیز این سخن را به نقل از حاکم نیشابوری (د ۴۰۵ ق) از ابن خزیمه یادآور شده است.<sup>۶</sup> همچنین ابن خزیمه در التوحید نیز به هنگام نقل حدیثی از عباد بن یعقوب می‌نویسد: «الصدوق في أخباره، المتهم في رأيه».<sup>۷</sup> بعید نیست که همین اختلاف اعتقادی و کلامی با عباد بن یعقوب، سبب شده باشد که وی، بسیاری از روایات او را فروگذار کرده باشد.<sup>۸</sup> از این رو، در آثار موجود ابن خزیمه تنها دو حدیث از عباد بن یعقوب به چشم می‌خورد: یکی در الصحیح، و دیگری در التوحید.

پس از طبقه شاگردان عباد بن یعقوب، دارقطنی (د ۳۸۵ ق) نیز او را «شیعی صدوق»<sup>۹</sup>

۱. ابن حبان، المجروحین، ۲/ ۱۷۲؛ ابن حجر عسقلانی، احمد، تهذیب التهذیب، ۵/ ۹۵.

۲. همان.

۳. المزّی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ۱۴/ ۱۷۷.

۴. ابن ابی حاتم، الجرح والتعديل، ۶/ ۸۸.

۵. ابن خزیمه، محمد، الصحیح، ۲/ ۳۷۶.

۶. المزّی، یوسف بن عبدالرحمن، همان.

۷. ابن خزیمه، محمد، همان، ۲/ ۲۳۷.

۸. ابن حجر عسقلانی، احمد، همان.

۹. همان.

خوانده است. ذهبی (د ۷۴۸ ق) نیز پس از گزارش حکایاتی شگرف در احوالات و باورهای کلامی او، از اعتماد محدثان بزرگ عامه به احادیث او اظهار تعجب کرده و می‌نویسد: «وَمَا أَدْرِي كَيْفَ تَسَمَّحُوا فِي الْأَخْذِ عَمَّنْ هَذَا حَالُهُ؟» و سپس خود در پاسخ به این پرسش می‌نویسد: «وَإِنَّمَا وَثَقُوا بِصِدْقِهِ». <sup>۱</sup> بنابراین، منهای عالمانی که به سبب فساد در رأی و مذهب، روایات عباد را ترک و او را ضعیف قلمداد کرده‌اند، دیگر عالمان سنی با پذیرش شیعی بودن، <sup>۲</sup> غلو در تشیع، <sup>۳</sup> رفض <sup>۴</sup> و حتی امامی <sup>۵</sup> و مبتدع بودن <sup>۶</sup> عباد و ضمن اعتراف به آن که او یکی از «رئوس الشیعه» <sup>۷</sup> است، و به رغم اعتراف به شتم عثمان <sup>۸</sup> و شتم سلف <sup>۹</sup> توسط او، با این حال، از فضل <sup>۱۰</sup> و علم <sup>۱۱</sup> او سخن گفته‌اند و به سبب راست‌گویی او در نقل حدیث، او را صدوق <sup>۱۲</sup> خوانده‌اند. چنان‌که ابراهیم بن ابی بکر بن ابی شیبه (د ۲۶۵ ق) می‌نویسد: «اگر دو تن از رجال شیعه نبودند، هیچ حدیثی از آنان صحیح نبود: عباد بن یعقوب و ابراهیم بن محمد بن میمون». <sup>۱۳</sup> ابوالشیخ الاصبهانی (د ۳۶۹ ق) نیز پس از نقل حدیثی که در سلسله راویان آن عباد بن یعقوب حضور دارد، می‌نویسد: «بعد دراسة إسناد هذا الحديث تبين أنه بهذا الإسناد حسن لأن

۱. الذَّهَبِيُّ، مُحَمَّدٌ، سِيرَاعِلَامِ النَّبِيَاءِ، ۱۱/ ۵۳۸.

۲. ابن حجر عسقلانی، احمد، همان.

۳. ابن عدی، الكامل فی ضعفاء الرجال، ۴/ ۳۴۸.

۴. ابن حبان، المجروحین، ۲/ ۱۷۲.

۵. الزرکلی، الاعلام، ۳/ ۲۵۸.

۶. الذَّهَبِيُّ، مُحَمَّدٌ، همان، ۱۱/ ۵۳۷.

۷. همو، تاریخ الاسلام، ۵/ ۱۱۵۳.

۸. ابن خزیمه، مُحَمَّدٌ، همان، ۲/ ۳۷۴.

۹. ابن عدی، همان؛ ابن خزیمه، مُحَمَّدٌ، همان؛ الذَّهَبِيُّ، مُحَمَّدٌ، همان.

۱۰. الزرکلی، همان.

۱۱. الذَّهَبِيُّ، مُحَمَّدٌ، سِيرَاعِلَامِ النَّبِيَاءِ، ۱۱/ ۵۳۷.

۱۲. همان؛ ابن حجر عسقلانی، احمد، همان.

۱۳. همان.

عباد بن یعقوب صدوق والحديث صحيح»<sup>۱</sup>. حاکم نیشابوری (د ۴۰۵ ق) نیز در المستدرک علی الصحیحین پس از نقل حدیثی از عباد بن یعقوب می‌نویسد: «هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه»<sup>۲</sup>. ذهبی (م ۷۴۸) نیز در تعلیق خود بر المستدرک این حدیث را «صحيح» دانسته است.<sup>۳</sup>

## ۲.۱. ابو سعید در مصادر امامیه

عباد بن یعقوب، افزون بر آن که به کوفی و اسدی متّصف است، در مصادر امامی با وصف العُصفری یا العُصفوری نیز خوانده شده است.<sup>۴</sup> او صاحب اصلی از اصول اولیه با نام اصلِ ابی سعید العُصفوری است که مرحوم حاجی نوری احادیث آن را «كُلُّهَا نَقِيَّةٌ» می‌خواند.<sup>۵</sup> این اصل - که همینک موجود است و حاوی نوزده حدیث می‌باشد - به روشنی فضای کلامی و اعتقادی مؤلف خود را آشکار می‌سازد. چنان که صاحب مستدرک الوسائل می‌نویسد: «دالة علی تشیعه، بل تعصّبه فيه».<sup>۶</sup>

مطالعه آثار در دسترس نشان می‌دهد که عالمان شیعی کوفی، بیش از دیگر مدارس شیعی آن زمان از روایات عباد بن یعقوب و محضر درس حدیث او بهره برده‌اند. علی بن العباس البجلیّ المقانعی، جعفر بن محمد بن مالک الفزّاریّ، محمد بن الحسین بن حفص الجبعیّ الأشنانی، علی بن أحمد بن الحاتم التمیمی، علی بن أحمد بن الحسین البجلیّ، الحسن بن السّکن الأسدیّ، جعفر بن محمد الأزدي، و جعفر بن محمد الدّلال، از جمله شاگردان کوفی عباد بن یعقوب‌اند که احمد بن محمد الخلیلی مؤلف المناقب، نام ایشان را در کتاب خود گرد آورده

۱. الاصبهانی، عبدالله، أخلاق النبی و آدابه، ۳/ ۲۳۴.

۲. الحاکم - الذهبی، المستدرک علی الصحیحین مع تعلیق الذهبی، ۲/ ۶۷۷.

۳. همان.

۴. جهت اتحاد عباد العُصفوری و عباد رواجنی، نک: شبیری زنجانی، سید موسی، التعلیقات الرجالیه، ص ۳۹۰.

۵. النوری، مستدرک الوسائل، الخاتمه، ۱/ ۵۳.

۶. همان.

است.<sup>۱</sup> فرات کوفی زیدی مسلک نیز به واسطه پاره‌ای از همین شاگردان از جمله علی بن العباس، جعفر بن محمد بن مالک و محمد بن الحسین بن حفص در تفسیر خود از عباد بن یعقوب نقل حدیث کرده است.<sup>۲</sup> جست وجود میراث حدیثی امامیه نشان می‌دهد که آثار عباد بن یعقوب غالباً از طریق همین سه شاگرد او به مدارس حدیثی سرزمین‌های دیگر راه یافته است.<sup>۳</sup> افزون بر فرات، ابن عقده<sup>۴</sup> (د ۳۳۳ ق) زیدی نیز از عباد بن یعقوب نقل حدیث کرده‌اند. قاضی نعمان مغربی (د ۳۶۳ ق) عالم مشهور اسماعیلی هم در آثار خود از او به دفعات نقل حدیث کرده است.<sup>۵</sup>

از میان اسلاف اصحاب امامیه در غیبت کوتاه، برقی<sup>۶</sup> (د ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)، صفار<sup>۷</sup> (د ۲۹۰ ق)، علی بن ابراهیم<sup>۸</sup> (زنده در ۳۰۷ ق) همگی با دو واسطه، و کلینی (د ۳۲۹ ق) گاهی با دو و گاهی با سه<sup>۹</sup> واسطه از عباد بن یعقوب، به نقل حدیث پرداخته‌اند. صاحب المسترشد نیز بی‌آن که نام وسایط خود تا آثار او را ذکر کند، به نقل دو حدیث از او پرداخته است.<sup>۱۱</sup> پس از غیبت کوتاه نیز روایات عباد بن یعقوب در معتبرترین آثار حدیثی عالمان متقدم امامی راه یافته است.<sup>۱۲</sup>

۱. الطهرانی، آقا بزرگ، الذریعه، ۲۵۵/۱۶.

۲. برای نمونه، الکوفی، فرات، التفسیر، ص ۱۴۰، ۵۹۸.

۳. برای نمونه، روایات عباد از طریق محمد بن الحسین بن حفص به بغداد راه یافته است (نک: البغدادی، تاریخ بغداد، ۲/۲۳۴).

۴. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، فضایل أمير المؤمنين عليه السلام، ص ۳۹.

۵. برای نمونه، ابن حیون، شرح الأخبار، ۱۵۱/۲.

۶. البرقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/۶۷.

۷. الصفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، ۲۲/۱.

۸. برای نمونه: القمی، علی، التفسیر، ۲/۲۸۰.

۹. برای نمونه: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳/۳۱۳.

۱۰. همان، ۱/۵۳۰، ۵۳۴.

۱۱. الأملی الکبیر، محمد، المسترشد، ص ۴۵۱، ۵۸۳.

۱۲. النعمانی، الغیبه، ص ۱۲۱؛ ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۹۷؛ برای

از آثار موجود اصحاب امامیه چنین برمی آید که برای نخستین بار طبری آملی کبیر در خصوص مذهب ابوسعید رواجی اظهار نظر کرده است. او از عبّاد بن یعقوب، سفیان بن عیینه، وکیع بن جراح و حسن بن صالح بن حی، به عنوان صنادید (بزرگان تیزهوش و شریف) اهل سنت یاد کرده است.<sup>۱</sup> بیش از یک قرن پس از او، شیخ طوسی در فهرست، در باب عبّاد، ابتدا مدخلی را با عنوان «عباد العصفری» می‌گشاید، و صاحب این مدخل را «یکنی ابا سعید» می‌خواند. او طریق دسترسی به اصل او را چنین متذکر می‌شود: «أخبرنا جماعة عن التلعكبري عن ابن همام عن محمد بن خاقان النهدي عن محمد بن علي أبي سمينة عن أبي سعيد العصفري». <sup>۲</sup> شیخ الطائفة پس از این، در مدخل بعدی، با عنوان «عباد بن یعقوب الرواجی» از اخبار المهدی یاد می‌کند و صاحب مدخل را «عامی المذهب» می‌خواند. <sup>۳</sup> ظاهر این عبارات، نشان می‌دهد که شیخ، از اتحاد عباد عصفری با عباد بن یعقوب رواجی غافل بوده و از این جهت دو مدخل متوالی را به یک شخص واحد اختصاص داده است. به نظر می‌رسد که افزون بر مخفی بودن حال واقعی عباد بن یعقوب بر شیخ، عدم اشتها عباد بن یعقوب به «العصفری» نیز به این غفلت دامن زده است؛ زیرا اندیشمندان اهل سنت و حتی عالمان زیدی مذهب، هیچ‌گاه از عباد بن یعقوب با وصف «العصفری» یاد نکرده‌اند.

نمونه: شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، الامالی، ص ۳۳۵؛ همو، الخصال، ۴۵۷/۲؛ همو، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۲۵/۱؛ همو، کمال الدین و تمام النعمة، ۷۴/۱؛ همو، معانی الاخبار، ص ۶۶؛ همو، علل الشرایع، ۲۳۲/۱؛ الخزاز، علی، کفایة الاثر، ص ۱۰۶؛ شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الامالی، ۱۰؛ همو، الارشاد، ۲۳/۱؛ الکرّاجکی، کنز الفوائد، ۲۹۶/۱؛ الاملی الصغیر، محمد، (منسوب به)، دلائل الإمامة، ص ۱۳۵، ۴۳۶، ۴۴۶، ۴۸۱، ۴۸۶، ۶۰۳؛ طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، ۶۲/۳ و ۸۴/۴؛ همو، الاستبصار، ۴۸/۲؛ همو، الغیبه، ص ۱۳۹، ۱۷۵، ۵۰۲، ۵۱۶، ۵۴۳؛ همو، الاملی، ص ۶۰، ۱۶۲، ۲۳۰، ۳۵۳-۳۵۵.

۱. الاملی الکبیر، محمد، المسترشد، ص ۴۵۱.

۲. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۳۴۳.

۳. همان.

اندکی پس از شیخ، مرحوم نجاشی در فهرست خود، مدخل «عباد ابو سعید العصفری» را با هدف دفع همین غفلت آغاز می‌کند. او از قول استاد خود، «غضائری پدر» می‌نویسد: «سمعت أصحابنا یقولون: إن عبّادا هذا هو عباد بن یعقوب». این نکته که ظاهراً اعتراضی است به غفلت شیخ<sup>۲</sup> با بیان ریشه این ابهام و اشتباه همراه می‌شود: «إنما دلّسه أبو سمینة». عبارت اخیر بدین معناست که ابوسمینه، شاگرد عباد بن یعقوب - احتمالاً به سبب اتهام عبّاد به زیدیه یا عامّه یا به سبب ضعف در حدیث - به هنگام نقل روایات او، نام او را به «عبّاد العصفری» تغییر داده و مرتکبِ تدلیس شده است و از همین روست که اصل موجود و مشهور عبّاد بن یعقوب با عنوان «اصل عباد العصفری» شناخته می‌شود؛ نه اصل عباد الزواجی. حضور عباد بن یعقوب در سلسله اسانید تفسیر القمی،<sup>۴</sup> در کنار تصریح حاجی نوری<sup>۵</sup> و خوئی<sup>۶</sup> به وثاقت و صحت مذهب او را می‌توان به عنوان شواهدی - البته ناتمام - بروثاقت او ارائه کرد.

## ۲. آثار ابو سعید رواجی

گزارش‌های در دسترس نشان می‌دهد که ابو سعید رواجی، صاحب تألیفات حدیثی قابل توجهی بوده است. اگرچه جز اصل مشهور او دیگر آثار او مفقود است، اما می‌توان با تفحص در میراث حدیثی فریقین، گوشه‌های مهمی از آثار مفقود او را بازسازی کرد. متن پیش رو فهرست مختصری از آثار او را ارائه می‌نماید.

۱. النجاشی، احمد بن علی، الفهرست، ص ۲۹۳.

۲. «ولایبعد أن یكون کلام النجاشی ناظرًا إلى ما فی الفهرست و اعتراضا علیه فی ذکره متعددًا» (موسوی الخوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ۹/ ۲۱۹).

۳. النجاشی، احمد بن علی، همان.

۴. القمی، علی، التفسیر، ۲/ ۲۸۰؛ موسوی الخوئی، سید ابوالقاسم، همان.

۵. النوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، الخاتمه، ۱/ ۵۳.

۶. موسوی الخوئی، سید ابوالقاسم، همان.

## ۱.۲. اصل عباد العصفری

اصل عباد العصفری، تنها اثر موجود عباد بن یعقوب، مشتمل بر نوزده حدیث است و آن گونه که از گزارش علامه مجلسی برمی آید، او به نسخه ای قدیمی از این اصل دسترسی داشته است. جز دو سند از آسانید این اصل که از غیر معصوم گزارش شده اند، دیگر آسانید این کتاب به معصوم منتهی می شوند: از امام باقر علیه السلام هشت حدیث، از پیامبر و امام صادق علیهما السلام هر کدام سه حدیث، از امام سجاد علیه السلام دو حدیث، و یک حدیث نیز از امیر المؤمنین علیه السلام. ظاهراً کلینی از طریق «محمد بن یحیی [الطارق] عن احمد بن محمد بن محمد عن [ابی جعفر] محمد بن الحسین [بن حفص الخثعمی]» این اصل را در اختیار داشته و از آن سه حدیث نقل کرده است.<sup>۱</sup>

## ۲.۲. المعرفة فی الصحابه

از میان اندیشمندان امامی، شیخ طوسی (د ۴۶۰ ق) و ابن طاووس (د ۶۶۴ ق) به این کتاب دسترسی داشته اند. دست کم دو تن از شاگردان ابوسعید رواجی، به نام های علی بن العباس المقانعی - بنا بر گزارش شیخ<sup>۲</sup> و محمد بن الحسین بن حفص - بنا بر گزارش ابن طاووس<sup>۳</sup> کتاب المعرفة فی الصحابه را از او نقل کرده اند. نکته در خور توجه در طریق دسترسی شیخ به این کتاب، حضور ابوالفرج اصفهانی در سلسله آسانید این کتاب و در طبقه تلمیذ علی بن العباس المقانعی است.<sup>۴</sup> در میان آثار در دسترس، تنها سید بن طاووس در یقین با تصریح به عنوان کتاب، به نقل حدیث از آن می پردازد.<sup>۵</sup> گزارش های او از این اثر، از سرشار بودن آن از مناقب اهل بیت علیهم السلام و مثالب مخالفانشان حکایت دارد. از این رو، به

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۵۳۱/۱، ۵۳۴؛ نک: قربانی زرین، رضا، «بررسی قدمت

احادیث دوازده امام در الکافی»، امامت پژوهی، ۱۲/۱۶۱-۱۶۳.

۲. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۳۴۳.

۳. ابن طاووس، سید علی بن موسی بن جعفر، یقین، ص ۲۷۷.

۴. طوسی، محمد بن حسن، همان.

۵. ابن طاووس، سید علی بن موسی بن جعفر، همان، ص ۲۷۷، باب ۹۶.

نظرمی‌رسد این کتاب از رواجنی با اهداف کلامی به رشته تحریر درآمده و تنها یک اثر تاریخی یا رجالی به شمار نمی‌آمده است.

مصادر روایی امامیه حاکی از آن است که افزون بر شیخ و سید که به عنوان این کتاب تصریح کرده‌اند، کفایة الاثر و دلائل الامامه نیز به احتمال، بخش‌هایی از این کتاب را از طریق ابوالفضل شیبانی از محمد بن الحسین الخثعمی در خود گنجانده‌اند.<sup>۱</sup> شیخ طوسی نیز از عباد بن یعقوب گزارش‌هایی دارد که افزون بر همسانی طریق نقل این گزارش‌ها با دو اثر پیشین، از هم خوانی محتوای آن گزارش‌ها با عنوان معرفة الصحابه نیز برخوردار است.<sup>۲</sup>

در مصادر دیگر نحلّه‌های اسلامی، ابوالفرج اصفهانی به واسطه علی بن العباس المقانعی ده حدیث،<sup>۳</sup> و به واسطه محمد بن الحسین بن حفص، یازده حدیث<sup>۴</sup> از عباد بن یعقوب گزارش می‌کند. از این احادیث، چهار حدیث به طور مشترک از این دو راوی گزارش شده است.<sup>۵</sup> محتوای روایات نشان می‌دهد که نقل‌های بی‌واسطه ابوالفرج از محمد بن الحسین، به احتمال فراوان از کتاب المعرفة فی الصحابه بوده، و گزارش‌های بی‌واسطه او از علی بن العباس از کتاب المناقب عباد بن یعقوب نقل شده است.

ابن عدی نیز در الکامل فی الضعفاء با هدف تضعیف روایات عباد بن یعقوب، تعداد قابل توجهی از احادیث او را گرد آورده است. از چهل و نه حدیثی که او در الکامل از عباد بن یعقوب نقل کرده است، بیست حدیث آن، از طریق علی بن العباس المقانعی و نوزده حدیث،<sup>۶</sup> از طریق محمد بن الحسین بن حفص<sup>۷</sup> (م ۳۱۵ ق)

۱. الأملی الکبیر، محمد، المسترشد، ص ۴۵۱، ۵۸۳.

۲. برای نمونه، نک: طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ص ۴۵۱.

۳. الاصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۱۸، ۳۶، ۴۱، ۵۹، ۶۶-۶۸، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۲۸.

۴. همان، ۲/ ۵، ۱۳، ۱۸، ۲۴، ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۵۰، ۵۹، ۹۸.

۵. همان، ص ۱۸، ۳۶، ۴۱، ۵۹.

۶. برای نمونه، نک: ابن عدی، الکامل فی ضعف الرجال، ۱/ ۲۲۳.

۷. نام کامل وی محمد بن الحسین بن حفص بن عمر ابوجعفر الخثعمی الأشنانی الکوفی



گزارش شده است.<sup>۱</sup> از آن جاکه محتوای بسیاری از روایات مذکور با موضوع دو کتاب المعرفة فی الصحابه و المناقب هم خوانی دارد و این دوشاگرد، کتاب های المعرفة و المناقب را از عباد بن یعقوب نقل کرده اند، ابن عدی نیز به احتمال فراوان، به واسطه این دو شیخ خود، آثار مذکور را در اختیار داشته است. در نتیجه، اثر رجالی ابن عدی، یک منبع مهم جهت دسترسی به احادیث کلامی عباد بن یعقوب در المعرفة فی الصحابه و المناقب است.

### ۳.۲. المناقب

غیر از ابوالفرج اصفهانی و ابن عدی که به احتمال فراوان این کتاب را با یک واسطه در اختیار داشته اند، ذهبی نیز گوشه هایی از احادیث این کتاب را دیده و درباره آن چنین نوشته است: «جزئی از کتاب المناقب را دیدم، عباد در این کتاب مطالبی بی اعتبار [از مناقب اهل بیت علیهم السلام] را گرد آورده که خداوند ایشان را از چنین منقبت هایی بی نیاز کرده است».<sup>۲</sup> این گزارش نشان می دهد که اولاً المناقب بخش ها و احیاناً مجلدات متعددی داشته که ذهبی تنها جزئی از آن را دیده است. ثانیاً، روایات این کتاب از حیث کلامی، به مذاق ذهبی خوش نمی آمده است. از عبارت «قد اغنی الله اهل البيت عنها» چنین برمی آید که این اثر حاوی مناقب بلندی از اهل بیت علیهم السلام بوده که مخالفان را در جهت انکار آن، ترغیب می کرده است. افزون بر این اندیشمندان، به نظر می رسد که ابوبکر آجری (د ۳۶۰ ق) نیز به محتوای این اثر دسترسی داشته است. او به واسطه ابوبکر بن ابی داود - دیگر شاگرد مشهور عباد - به نقل یازده

است (البغدادی، تاریخ بغداد، ۲/۲۳۴؛ الذهبی، محمد، تاریخ الاسلام، ۷/۲۹۷). گاهی با وصف المحاربی نیز خوانده می شود (نک: ابن عدی، همان، ۴/۳۴۸، ۲/۳۵۰). وی شیخ اجازه هارون بن موسی التلعکبری بوده است (طوسی، محمد بن حسن، الرجال، ص ۴۴۲). دارقطنی او را «ثقة مأمون» و «صدوق» خوانده است (الذهبی، محمد، همان؛ مجموعة من المؤلفین، موسوعة اقوال ابی الحسن الدارقطنی، ۲/۵۶).

۱. برای نمونه، نک: ابن عدی، همان، ۱/۴۲.

۲. الذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، ۱۱/۵۳۶.

حدیث از عباد بن یعقوب می‌پردازد که محتوای همگی این احادیث ناظر به مناقب امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام است؛<sup>۱</sup> جزیک حدیث که به فضیلت بنی‌هاشم اشاره دارد.<sup>۲</sup> از این رو، بعید نیست که المناقب به طریق ذکر شده در اختیار او بوده باشد.

#### ۴.۲. اخبار المهدی المنتظر

گزارش‌ها نشان می‌دهند که عباد بن یعقوب در زندگی شخصی خود، به خروج حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام توجه ویژه داشته است. بنا بر نقل مزّی، او در خانه خود شمشیری آماده کرده بوده تا در رکاب آن حضرت قتل کند!<sup>۳</sup> ذهبی سند این حکایت را صحیح دانسته است.<sup>۴</sup> روایات فراوانی از عباد در موضوع مهدویت - میراث حدیثی فریقین - گزارش شده که حاکی از اعتنای او به این مسئله است. نگارش یک تک‌نگاری قابل اعتنا در موضوع غیبت و مهدویت، توسط او نیز بر تمایل او به مهدی موعود صحه می‌گذارد. میراث حدیثی امامیه نشان می‌دهد که جعفر بن محمد بن مالک کوفی مشهور به «فزاری» - شاگرد امامی و مورد وثوق<sup>۵</sup> عباد - این کتاب را از او گزارش کرده و این اثر از همین طریق به مصادر موجود امامیه راه یافته است. افزون بر فزاری، مؤلف کتاب اثبات الوصیه و به احتمال فراوان، شلمغانی<sup>۶</sup> (د ۳۲۲ ق) - و نه مسعودی (د ۳۴۶ ق) - نیز این اثر را در اختیار داشته و چندین حدیث مهدوی را بی‌پایی در کتاب خود داخل کرده است.

۱. برای نمونه، نک: الأجزی، ابوبکر، الشریعة، ۴/ ۲۰۲۴.

۲. همان، ۵/ ۲۲۸۰.

۳. ابن خزیمه، محمد، الصحیح، ۲/ ۳۷۴؛ البغدادی، تاریخ بغداد، ۲/ ۲۳۴.

۴. همان، ۲/ ۲۳۴.

۵. نک: موحدی، محمد علی و حشمت‌پور، محمد حسین، «شخصیت رجالی فزاری»، علوم حدیث، ش ۶۹.

۶. در عدم انتساب اثبات الوصیه موجود به مسعودی و انتساب هسته اصلی آن به شلمغانی، نک: انصاری، حسن، «معمای چند کتاب: از کتاب الأوصیای شلمغانی تا اثبات الوصیه مسعودی»، ansari.kateban.com، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۹/۱.

### ۳. بازبایی اخبار المهدی رواجنی

همان‌طور که گفته شد، جعفر بن محمد بن مالک مشهور به «فزاری» - شاگرد کوفی ابوسعید - اخبار المهدی رواجنی را در اختیار داشته و آن را گزارش کرده است. او استاد دو تن از مشایخ بزرگ عصر خود، یعنی ابوعلی محمد بن ابی‌بکر همام بن سهیل الاسکافی (د ۳۳۲ ق) و ابوغالب زراری (د ۳۶۸ ق) بوده است. بنا بر گزارش نجاشی، این دو شیخ جلیل از جعفر بن محمد بن مالک فزاری به وفور نقل حدیث کرده‌اند! مطالعه آثار موجود نشان می‌دهد که فزاری کتاب یاد شده را برای شاگرد خود ابوعلی محمد بن همام اسکافی گزارش کرده است. نعمانی (د ۳۶۰ ق) دست‌کم پنج حدیث از این کتاب را از طریق شیخ مباشر خود محمد بن همام اسکافی از جعفر بن محمد بن مالک فزاری در الغیبه گزارش کرده است. اندکی کمتر از یک قرن بعد، در روایت از این روایات - مستقل از نعمانی - در دلائل الامامة گزارش شده که با گزارش‌های الغیبه یکسان است. در ادامه، این روایات ارائه می‌شوند:

#### روایت نخست:

وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ يَحْيَى بْنِ يَعْلَى عَنْ أَبِي مَرْزِيمِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ: أَخْبِرْنِي عَنِ الْقَائِمِ فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا هُوَ آتَا وَلَا الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ وَلَا يُعْرَفُ وَلَا دَلَّتُهُ قُلْتُ: بِمَا يَسِيرُ؟ قَالَ بِمَا سَأَرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ هَدَرَ مَا قَبْلَهُ وَاسْتَقْبَلَ.<sup>۲</sup>

#### روایت دوم:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ يَحْيَى بْنِ يَعْلَى عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: إِنَّ لِلْقَائِمِ عَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ فَقُلْتُ: وَلِمَ؟ قَالَ: يَخَافُ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا زُرَّارَةُ وَهُوَ الْمُتَنَتِّظُ وَهُوَ

۱. التجاشی، أحمد، الفهرست، ص ۱۲۲.

۲. نعمانی، محمد، الغیبه، ص ۱۶۹.

الَّذِي يُسَكُّ فِي وَلَاذْتِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ مَاتَ أَبُوهُ بِلا خَلْفٍ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ حَمَلٌ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ غَائِبٌ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ وُلِدَ قَبْلَ وَفَاةِ أَبِيهِ بِسِنِينَ (بسننین) وَهُوَ الْمُنْتَظَرُ غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ قُلُوبَ الشَّيْعَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ يَا زُرَّارَةَ قَالَ زُرَّارَةُ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ أَيَّ شَيْءٍ أَعْمَلُ؟ قَالَ يَا زُرَّارَةَ مَتَى أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَادْعُ بِهِذَا الدُّعَاءَ: اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّيْتُ عَنْ دِينِي ثُمَّ قَالَ: يَا زُرَّارَةَ لَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ بِالْمَدِينَةِ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَوْلَيْسَ الَّذِي يَقْتُلُهُ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ؟ قَالَ: لَا وَلكِنْ يَقْتُلُهُ جَيْشُ بَنِي فُلَانٍ يَخْرُجُ حَتَّى يَدْخُلَ الْمَدِينَةَ وَلَا يَدْرِي النَّاسُ فِي أَيِّ شَيْءٍ دَخَلَ فَيَأْخُذُ الْغُلَامَ فَيَقْتُلُهُ فَإِذَا قَتَلَهُ بَغِيًّا وَعُدْوَانًا وَظَلَمًا لَمْ يُمَهِّلُهُمُ اللَّهُ فَعِنْدَ ذَلِكَ يُتَوَقَّعُ الْفَرَجُ.<sup>۱</sup>

نعمانی، پس از نقل این حدیث، دو سند دیگر از همین حدیث را به واسطه محمد بن یعقوب الكلینی ارائه می‌نماید و پس از آن یادآور می‌شود که احمد بن هلال این روایت را هنگامی که ۵۶ سال داشته است از عثمان بن عیسی شنیده است.<sup>۲</sup> جمع این مطلب با زمان تولد احمد به سال ۱۸۰ ق، حاکی از سماع او به سال ۲۳۶ ق، یعنی حدود بیست سال پیش از تولد حضرت حجت است!

### روایت سوم:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ: حَدَّثَنَا خَلَادُ الصَّائِغِ [الصَّقَّار] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: السُّفْيَانِيُّ لَا بُدَّ مِنْهُ وَلَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي رَجَبٍ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِذَا خَرَجَ فَمَا حَالُنَا؟ قَالَ: إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَإِئْتِنَا.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۱۶۶.

۲. همان.

۳. همان، ۲۰۲.

## روایت چهارم:

وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ حَمَّادِ الطَّائِفِيِّ عَنْ أَبِي الْجَزَّوْدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ هُوَ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمُؤْتَرُ بِأَبِيهِ الْمُكَنَّى بِعَمِّهِ الْمُفْرَدُ مِنْ أَهْلِهِ اسْمُهُ اسْمُ نَبِيِّ<sup>۱</sup>.

## روایت پنجم:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ أَنَّهُ قَالَ: صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ أَصْعَرُنَا سِنًا وَأَحْمَلْنَا شَخْصًا قُلْتُ: مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ؟ قَالَ: إِذَا سَارَتِ الرُّكْبَانُ بِنَيْعَةِ الْغُلَامِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْفَعُ كُلُّ ذِي صَيْصِيَّةٍ لَوَاءً فَانْتَظِرُوا الْفَرَجَ<sup>۲</sup>.

صاحب دلائل الإمامة، دو روایت اخیر را از همین طریق و با الفاظ یکسان گزارش کرده که سند آن به جهت تأخر او از نعمانی، با واسطه بیشتر ذکر شده است: «وَأَخْبَرَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، [قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيِّ]، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ، ... [الـى آخراً]<sup>۳</sup>».

## روایت ششم:

افزون بر این پنج روایت، نعمانی حدیث دیگری را نیز از عباد بن یعقوب - در الغیبه - گزارش کرده که سند آن تا عباد را ذکر نمی‌کند. به نظر می‌رسد که او آن روایت را نیز با همان طریق از همان مصدر اخذ کرده باشد.<sup>۴</sup> پیش از نعمانی، ابو جعفر کلینی با واسطه دو تن از مشایخ خود از جعفر بن محمد بن مالک از عباد بن یعقوب،

۱. همان، ۱۷۹.

۲. همان، ۱۸۴.

۳. [الأملى الصغير، محمد؟]، [دلائل الإمامة، ص ۴۸۱، ۴۸۶].

۴. النعمانی، محمد، الغیبه، ص ۱۲۱.

حدیثی را در الکافی گزارش کرده که پیرامون قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیهم است. با توجه به روایتگری فزاری از اخبار المهدی، بعید نیست که این گزارش‌ها مأخوذ از آن اثر باشد.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ وَالْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَمْرِو بْنِ كَيْسَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَعْفَبِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام: كَيْفَ الرِّبَاطُ عِنْدَكُمْ؟ قُلْتُ: أَزْبَعُونَ قَالَ: لَكِنَّ رِبَاطَنَا رِبَاطُ الدَّهْرِ وَمَنْ ارْتَبَطَ فِيْنَا سِلَاحًا كَانَ لَهُ وَزْنُهُ وَوَزْنُ وَزْنِهَا مَا كَانَتْ عِنْدَهُ وَمَنْ ارْتَبَطَ فِيْنَا سِلَاحًا كَانَ لَهُ وَزْنُهُ مَا كَانَ عِنْدَهُ لَا تَجْرَعُوا مِنْ مَرَّةٍ وَلَا مِنْ مَرَّتَيْنِ وَلَا مِنْ ثَلَاثٍ وَلَا مِنْ أَرْبَعٍ فَإِنَّمَا مَثَلُنَا وَمَثَلُكُمْ مَثَلُ نَبِيٍّ كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَنْ ادْعُ قَوْمَكَ لِلْقِتَالِ فَإِنِّي سَأَنْصُرُكَ فَجَمَعَهُمْ مِنْ رُءُوسِ الْجِبَالِ وَمَنْ غَيْرِ ذَلِكَ ثُمَّ تَوَجَّهَ بِهِمْ فَمَا صَرَبُوا بِسَيْفٍ وَلَا طَعَنُوا بِرُمْحٍ حَتَّى انْهَزَمُوا ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ ادْعُ قَوْمَكَ إِلَى الْقِتَالِ فَإِنِّي سَأَنْصُرُكَ فَجَمَعَهُمْ ثُمَّ تَوَجَّهَ بِهِمْ فَمَا صَرَبُوا بِسَيْفٍ وَلَا طَعَنُوا بِرُمْحٍ حَتَّى انْهَزَمُوا ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ ادْعُ قَوْمَكَ إِلَى الْقِتَالِ فَإِنِّي سَأَنْصُرُكَ فَدَعَاهُمْ فَقَالُوا: وَعَدْتَنَا النَّصْرَ فَمَا نُصِرْنَا فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ إِمَّا أَنْ يَخْتَارُوا الْقِتَالَ أَوْ النَّارَ فَقَالَ: يَا رَبِّ الْقِتَالَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ النَّارِ فَدَعَاهُمْ فَأَجَابَهُ مِنْهُمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشْرَ عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ فَتَوَجَّهَ بِهِمْ فَمَا صَرَبُوا بِسَيْفٍ وَلَا طَعَنُوا بِرُمْحٍ حَتَّى فَتَحَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ<sup>۱</sup>.

### روایت هفتم:

شیخ طوسی نیز با دو واسطه از جعفر بن محمد بن مالک از عباد بن یعقوب حدیثی را نقل کرده است که ظاهراً به طور غیر مستقیم از همین اثر اخذ شده است. در سند این حدیث بی شک عبارت جعفر بن محمد الفزاری به حیدر بن محمد الفزاری تصحیف یافته است.

۱. الکلبینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳۸۲/۸.

رَوَى إِبْرَاهِيمُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيِّ عَنْ حَيْدَرَ [= جَعْفَرًا] بِنِ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ»<sup>۲</sup> قَالَ: هُوَ خُرُوجُ الْمَهْدِيِّ.

### روایت هشتم:

شیخ صدوق در حدیثی که عالمان شیعی آن را مربوط به دوران غیبت دانسته‌اند، خبری را به واسطه جعفر بن محمد بن مالک از عباد روایت کرده است. این روایت نیز به احتمال از اخبار المهدی اخذ شده است.

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ يَزِيدَ الصَّخْمِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ: كَأَنِّي بِكُمْ تَجُولُونَ جَوْلَانَ النَّعَمِ تَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا تَجِدُونَهُ.<sup>۳</sup>

### روایت نهم:

پیش‌تر گفته شد که در اثر موجود با عنوان اثبات الوصیة که هسته اصلی آن - بنا بر پژوهش پیشین - متعلق به شلمغانی (د ۳۲۲ ق) است، چندین روایت متوالی از اخبار المهدی رواجی گزارش شده است. برای نمونه، به یک روایت اشاره می‌شود:

وعنه [= عن عباد الرواجنی] عن علي بن الحسن بن فضال عن الريان بن الصلت قال: سمعت الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ يقول: «القائم لا يرى جسمه ولا يسمّى باسمه»<sup>۴</sup>.

۱. الذاریات: ۲۲.

۲. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۱۷۵.

۳. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین وتمام النعمة، ۱/ ۳۰۳.

۴. [المسعودی، علی؟]، اثبات الوصیة، ص ۲۶۶.

#### ۴. روایات مهدوی ابو سعید رواجنی در دیگر آثار او

دیگر روایات مهدوی ابو سعید رواجنی را می‌توان به دو طیف تقسیم کرد: یکی روایات مهدوی مندرج در اصل موجود او، و دیگری روایات مهدوی مندرج در آثار مفقود شده او که در منابع متقدم موجود از او گزارش شده است. متن حاضر، ابتدا اخبار مهدوی موجود در اصل او را ارائه کرده و سپس روایات مهدوی گزارش شده از آثار غیر موجود او را عرضه کرده است.

#### ۱.۴. روایات مهدوی اصل عباد العصفری

اصل به جا مانده از عباد بن یعقوب نیز مشتمل بر پاره‌ای از اخبار مهدوی است. از نوزده حدیث گزارش شده در این اصل، دست‌کم پنج حدیث آن در مطالعات مهدوی کارگرو سودمند است.

#### روایت دهم:

عَبَّادٌ، عَنْ عَمْرٍو، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَأَخَدَ عَشْرَ مِنْ وُلْدِهِ مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ، فَأَقَامَهُمْ أَشْبَاحًا فِي ضِيَاءِ نُورِهِ يَعْبُدُونَهُ قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ؛ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَيَقْدِسُونَهُ، وَهُمْ الْأَيُّمَةُ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.<sup>۱</sup>

این روایت را کلینی<sup>۲</sup> و شیخ صدوق<sup>۳</sup> به طریق یکسان از ابو سعید رواجنی گزارش کرده‌اند!<sup>۴</sup> شیخ صدوق، پس از نقل این حدیث، آن را از مسموعات

۱. عدة من العلماء، الأصول الستة عشر، ص ۱۳۹.

۲. الكليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ۵۳۱/۱.

۳. شيخ صدوق، محمد بن علي ابن بابويه، همان، ۳۱۹/۱.

۴. طریقی کلینی به ابوسعید رواجنی این‌گونه است: «مُحَمَّدٌ بِنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْعَصْفَرِيِّ». شیخ صدوق، در کمال الدین وتمام النعمة، سند خود تا ابوسعید را این‌گونه گزارش کرده است: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْعَصْفَرِيِّ ...». بی‌شک، عبارت «عن محمد بن الحسن» زائد است. مجلسی به نقل از کمال الدین وتمام النعمة، این روایت را گزارش کرده و در سند آن فقره «عن محمد بن الحسن» وجود ندارد (مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۲۵/۱۵).



خود برمی شمرد. <sup>۱</sup> تفاوت طریق و اسناد دیگر نقل‌های مرحوم صدوق از اصل ابی سعید نشان می‌دهد که او این اصل را در اختیار نداشته است. از این رو، گزارش‌های او از اصل ابی سعید یا حاصل شنیده‌های اوست، یا از طریق منابع واسطه به آن دست یافته است.

### روایت یازدهم:

عَبَادٌ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مِنْ وُلْدِي أَحَدٌ عَشَرَ نَقِيباً نَجَبَاءُ مُحَدَّثُونَ مَفْهَمُونَ، آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، بِمَلَأْهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْراً.<sup>۲</sup>

### روایت دوازدهم:

عَبَادٌ، عَنْ عَمْرٍو، عَنْ أَبِي الْجَزَّوْدِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنِّي وَأَحَدٌ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ زُرُّ الْأَرْضَ أَعْنِي أَوْ تَادَهَا [وَ] جِبَالَهَا وَقَدْ وَتَدَ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَسِيخَ بِأَهْلِهَا، فَإِذَا ذَهَبَ الْأَحَدُ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي سَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَلَمْ يُنْظَرُوا.<sup>۳</sup>

دو روایت اخیراً مرحوم کلینی به سندی که پیش‌تر ارائه شد از ابوسعید رواجنی در کافی نقل کرده است.<sup>۴</sup> متن هر دو روایت کلینی با تفاوتی کوچک ولی مهم ثبت شده است.

### روایت سیزدهم:

عَبَادٌ، عَنْ عَمْرٍو بْنِ ثَابِتٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: نُجُومٌ فِي السَّمَاءِ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، فَإِذَا ذَهَبَ نُجُومُ السَّمَاءِ أَتَى أَهْلَ السَّمَاءِ مَا يَكْرَهُونَ، وَنُجُومٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ وُلْدِي أَحَدٌ عَشَرَ نَجَباً أَمَانٌ فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین وتمام التعمه، ۱/ ۳۱۹.

۲. عدة من العلماء، الأصول الستة عشر، ص ۱۳۹.

۳. همان.

۴. الكلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۵۳۴.

بِأَهْلِهَا، فَإِذَا ذَهَبَتْ نُجُومُ أَهْلِ بَيْتِي مِنَ الْأَرْضِ أَتَى أَهْلَ الْأَرْضِ مَا  
يَكْرَهُونَ.

#### روایت چهاردهم:

عَبَادٌ، عَنْ عَمْرٍو، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَوْ  
بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بِإِلَافَةِ إِمَامٍ مِنَّا، لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، وَلَعَدَّبَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ  
عَذَابِهِ، ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ، وَأَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ  
الْأَرْضِ، لَنْ يَزَالُوا فِي أَمَانٍ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ،  
فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُهْلِكَهُمْ ثُمَّ لَا يُمَهِّلُهُمْ وَلَا يُنْظِرُهُمْ، ذَهَبَ بِنَا مِنْ  
بَيْنِهِمْ، وَرَفَعَنَا إِلَيْهِ، ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ بِهِمْ مَا شَاءَ وَأَحَبُّ<sup>۱</sup>.

این روایت را شیخ صدوق با سند خود از ابو سعید گزارش کرده است.<sup>۲</sup> بنا بر تحقیق،  
دلایل الامامه، همین روایت را با سندی متفاوت و از همان طریقی که صدوق گزارش  
کرده، در خود گنجانده است.<sup>۳</sup>

#### ۲.۴. روایات مهدوی ابو سعید در سایر آثار مفقود او: المناقب و المعرفة

همان طور که پیش تر اشاره شد، دو تن از شاگردان مشهور عباد بن یعقوب به نام های  
«محمد بن الحسین» و «علی بن العباس» دو کتاب المعرفة و المناقب را از عباد بن  
یعقوب گزارش کرده اند. این آثار از طریق ابوالفضل شیبانی به مصادر امامی و از طریق  
ابوالفرج اصفهانی و دیگران به مصادر عامه راه یافته است. در روایت از این آثار که  
با موضوع مهدویت پیوستگی دارد، ارائه می شود:

#### روایت پانزدهم:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُظَلِّبِ الشَّيْبَانِيُّ<sup>۴</sup> قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ

۱. عدة من العلماء، الأصول الستة عشر، ص ۱۳۹.

۲. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، همان، ۱/ ۲۰۴.

۳. [الأملى الصغير، محمد؟]، دلائل الإمامة، ص ۴۳۶.

۴. در باب اعتبار احادیث ابوالفضل شیبانی و نسبت دادن برخی آموزه های امامی به اعیان  
رقیب، گفت و گوهایی وجود دارد (برای نمونه، نک: ذاکری، محمد تقی و صفری فروشانی،

الْحُسَيْنِ بْنِ حَفْصِ الْخُثْعَمِيِّ الْكُوفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَادُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَمَّارٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ وَقَتَلَ عَلِيُّ أَصْحَابَ الْأَلْوِيَةِ... فَقَالَ [النبي]... إِنَّهُ أَبُو سَبْطِي وَالْأَيْمَةَ مِنْ صُلْبِهِ يُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى الْأَيْمَةَ الرَّاشِدِينَ وَمِنْهُمْ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ فَقُلْتُ: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذَا الْمَهْدِيُّ؟ قَالَ: يَا عَمَّارُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَهْدَ إِلَيَّ أَنَّهُ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةَ وَالتَّاسِعُ مِنْ وُلْدِهِ يَغِيبُ عَنْهُمْ وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ يَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ طَوِيلَةٌ يَرْجِعُ عَنْهَا قَوْمٌ وَيَثْبُتُ عَلَيْهَا آخَرُونَ فَإِذَا كَانَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُخْرِجُ فِيمَا لِلدُّنْيَا قِسْطًا وَعَدْلًا وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّوَالِيلِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلَى التَّنْزِيلِ وَهُوَ سَمِيٌّ وَأَشْبَهُ النَّاسِ بِي.<sup>١</sup>

#### روایت شانزدهم:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حَفْصِ الْخُثْعَمِيِّ وَمُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ رَبَاحِ الْأَشْجَعِيِّ، قَالَا: حَدَّثَنَا عَبَادُ بْنُ يَعْقُوبَ الْأَسَدِيُّ، قَالَا: أَخْبَرَنَا حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ، قَالَ: كُنْتُ أَخْتَلِفُ إِلَى عَمْرُو بْنِ قَيْسِ الْمَلَائِيِّ أَتَعَلَّمُ مِنْهُ الْقُرْآنَ، وَكَانَ النَّاسُ يَجِيئُونَهُ وَيَسْأَلُونَهُ عَنْ هَذَا الْحَدِيثِ، حَتَّى حَفِظْتُهُ مِنْهُ فَحَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ قَيْسِ الْمَلَائِيِّ، عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُمَيْيَةَ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: أَتَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ... فَقَالَ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّهُ سَيَلْقَى أَهْلَ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي تَطْرِيدًا وَتَشْرِيدًا فِي الْبِلَادِ، حَتَّى تَرْتَفِعَ رَايَاتُ سُودٍ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَ، وَيُقَاتِلُونَ فَيُنْصَرُونَ، فَيُعْطُونَ الَّذِي سَأَلُوا، فَمَنْ أَدْرَكَهُمْ مِنْكُمْ - أَوْ مِنْ أُنْبَائِكُمْ - فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبْوًا

نعمت الله، «رويكرد ابوالفضل شيباني به حديث»، مطالعات تاريخی قرآن و حدیث، ش ۶۷). از این رو، این حدیث را نباید در رتبه سایر احادیث قرار داد.

۱. الخزاز، علی، کفایة الاثر، ص ۱۲۱.

عَلَى التَّلَجِ، فَإِنَّهَا رَايَاتُ هُدَى، يَدْفَعُونَهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي،  
يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلْنَا جَوْرًا وَظُلْمًا.<sup>۱</sup>

مشابه این حدیث، در دیگر مصادرِ مقدم بر ولادت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز راه یافته است. برای نمونه، گزارشی با همین مضمون را ابن حماد (د ۲۲۸ ق) در الفتن و با اسانیدی مستقل از عباد بن یعقوب، گزارش کرده است.<sup>۲</sup>

#### روایت هفدهم:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ وَهْبَانَ بْنِ مُحَمَّدِ الْهَمَائِيِّ الْبَصْرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا  
الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْبَرْزُوقِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ بْنِ  
يَعْقُوبَ قَالَ: أَخْبَرَنِي مَسْمُورُ بْنُ نُؤَيْرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ عِيَّاشٍ عَنْ أَبِي  
سُلَيْمَانَ الصَّبِيِّ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ  
حَتَّى يَقُومَ قَائِمُ الْحَقِّ مِنَّا وَذَلِكَ حِينَ يَأْذُنُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ فَمَنْ تَبِعَهُ  
نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ فَاللَّهُ اللَّهُ عَبْدَ اللَّهِ ابْنُ اللَّهِ وَلَوْ عَلَى التَّلَجِ فَإِنَّهُ  
خَلِيفَةُ اللَّهِ قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَقُومُ قَائِمُكُمْ؟ قَالَ: إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا  
هَزْجًا وَمَرْجًا وَهُوَ التَّاسِعُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ.<sup>۳</sup>

#### روایت هجدهم:

افزون بر این روایت، شیخ صدوق با سندی دیگر از عباد بن یعقوب، خبری را از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گزارش کرده که آن حضرت ضمن بیان فضایل سید الشهداء به حسینی بودن نسل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح فرموده‌اند.

حَدَّثَنَا أَبِي عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: حَدَّثَنَا حَبِيبُ بْنُ الْحُسَيْنِ التَّغْلِبِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا  
عَبْدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَمْرِو بْنِ تَابِتٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي  
جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ فِي بَيْتٍ أُمَّ سَلَمَةَ فَقَالَ لَهَا: لَا يَدْخُلُ عَلَيَّ  
أَحَدٌ فَجَاءَ الْحُسَيْنُ ... فَقَالَ النَّبِيُّ ... أَنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ وُلْدِهِ فَطُوبَى

۱. [الأملى الصغير، محمد؟]، دلائل الإمامة، ص ۴۴۶.

۲. ابن حماد، نعيم، الفتن، ۱/ ۱۸۸.

۳. الخزاز، علی، همان، ص ۱۰۶.

لِمَنْ كَانَ مِنْ أَوْلِيَاءِ الْحُسَيْنِ وَشِبَعَتِهِ هُمْ وَاللَّهُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.<sup>۱</sup>

## ۵. فوائد کلامی روایات ارائه شده

همان‌گونه که ملاحظه شد، در گزاره‌ها و روایات ارائه شده نکات کلامی مهمی قابل ارائه هستند. متن حاضر، بخشی از این نکات را به نحو مروری مورد توجه قرار داده است. نتایج به دست آمده از روایات مذکور در دو طیف نتایج کلامی مرتبط با مباحث عمومی امامت و نتایج مرتبط با مبحث مهدویت تقسیم شده است.

### ۱.۵. فوائد کلامی مرتبط با مباحث عمومی امامت

۱. امامان (خلفای پس از پیامبر) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دوازده نفر هستند.

این گزاره کلامی، نقش ویژه‌ای در مباحث عامه امامت دارد. ثبت این حدیث در آثار نیمه نخست سده سوم و پیش از تولد حضرت حَجَّتْ وَرَعَى الشَّرِيفَ، انگاره پاره‌ای از مستشرقان<sup>۲</sup> و دگراندیشان<sup>۳</sup> مبنی بر تأثیر رخدادهای تاریخی و براهین کلامی در توقف شیعه امامیه بر دوازده امام و حصر تعداد امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به این رقم را دفع می‌کند. افزون بر آثار رواجی، بسیاری از منابع حدیثی پیش از تولد حضرت حَجَّتْ وَرَعَى الشَّرِيفَ نیز مشتمل بر اخباری در این خصوص هستند؛ مانند سلیمان بن داود طیالسی (د ۲۰۴ ق) در المسند<sup>۴</sup> ابن حماد (د ۲۲۸ ق) در الفتن<sup>۵</sup>، بخاری (د ۲۵۶ ق) در الصحيح<sup>۶</sup> که آن را پیش از تولد حضرت نگاشته است. عبدالله بن احمد بن حنبل (د ۲۹۰ ق) که از پدر خود این احادیث را شنیده، آنها

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، الأمالی، ص ۱۴۰.

۲. Kohlberg, Etan, "From Imāmiyya to Ithnā-‘ashariyya," pp. 521-523; Sachedina, Abdulaziz. "A Treatise on the Occultation of the Twelfth Imāmite Imam." pp. 109-124

۳. نک: هانی، ادريس، الامام المهدی حقیقة تاریخیة؟ أم فرضیة فلسفیة؟.

۴. الطیالسی، سلیمان، المسند، ۱/ ۱۰۵، ۱۰۸.

۵. ابن حماد، نعیم، الفتن، ص ۹۵.

۶. البخاری، محمد، الجامع الصحيح [صحيح البخاری]، ۶/ ۲۶۴۰.

را در المسمند آورده است.<sup>۱</sup> افزون بر مصادر یاد شده، در پاره‌ای از آثار عامه روایات دوازده خلیفه، از عباد بن یعقوب گزارش شده است.<sup>۲</sup>

۲. امامان علیهم‌السلام از نسل حضرت امام حسین علیه‌السلام هستند.

اگرچه این گزاره کلامی در دفع عقاید کلامی کیسانیه، جارودیه و زیدیه کارگر است، اما باید دانست که چنین مضمونی در گزارش‌های عباد بن یعقوب، تنها از طریق ابوالفضل شیبانی روایات شده است.

۳. امامان علیهم‌السلام، پیش از خلقت خلق، خداوند را تسبیح و تقدیس و عبادت می‌کردند.

۴. امامان علیهم‌السلام، از نور واحدند و از نور عظمت خداوند خلق شده‌اند.

۵. وجود امام بر روی زمین ضروری است. اگر امامان نباشند، زمین اهلش را فرو می‌برد.

این آموزه حدیثی، افزون بر آن‌که به روشنی بر ضرورت وجود امام در همه دوران‌ها تأکید دارد، بر توالی آنان نیز دلالت دارد. از این رو، با توجه به حصر تعداد امامان به دوازده تن، و ضرورت وجود آنان به طور پیوسته، و با عنایت به گذشت بیش از چهارده قرن از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به روشنی ثابت می‌شود که دست‌کم باید یکی از این امامان دوازده‌گانه عمری بسیار طولانی داشته باشد!

۶. امامان علیهم‌السلام امان اهل زمین‌اند. امامان «زّوالارض»، یعنی میخ‌های زمین و کوه‌های آن هستند.

این گزاره که به مقامات و فضایل بلند امامان علیهم‌السلام اشاره دارد، در جهت دفع نظریه علمای ابرار سودمند می‌باشد.

۷. امامان علیهم‌السلام، محدّث هستند.

این آموزه از دسترسی و اتصال امامان به وحی سخن می‌گوید و در جهت

۱. برای نمونه، نک: ابن حنبل، المسمند، ۱۰۱/۵.

۲. برای نمونه، نک: البزار، أحمد، المسمند (البحر الزخار)، ۱۹۵/۱۰.

تبیین مقام امامت و تفاوت‌های بنیادین آن با تعریف عامه از امام کارگرو سودمند است.

## ۵. ۲. فوائد مرتبط با آموزه غیبت و مهدویت

۸. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل امام حسین علیه السلام و فرزند نهم ایشان است.

این گزاره کلامی افزون بر تأکید دوباره بر تعداد امامان علیهم السلام و دفع برخی از انگاره‌های زیدیه، کیسانیه و جارودیه در باب نسب مهدی، پندار برخی از سران صوفیه مبنی بر بی‌اهمیت بودن نسب آن حضرت را پاسخ می‌گوید و انگاره مهدویت نوعی را ابطال می‌کند.<sup>۱</sup> وفور مستندات روایی دال بر این معنا در آثار موجود فریقین از اهمیت فراوان این آموزه حکایت دارد؛ به طوری که متقدمان امامیه، تک‌نگاری‌های قابل اعتنایی در این زمینه نگاشته‌اند. برای نمونه، احمد بن محمد بن احمد بن الجرجانی کتاب کبیری را در این زمینه تألیف کرده است که نجاشی آن را «کتاب کبیری ذکر من روی من طرق أصحاب الحدیث أن المهدی من ولد الحسین، وفیه أخبار القائم علیه السلام»<sup>۲</sup> معرفی کرده است.

۹. مهدی از اهل بیت رسول خاتم صلی الله علیه و آله است.

عبارت «رجل من اهل بیتی!» در حدیث شانزدهم، در دفع پندار برخی از عالمان عامه مبنی بر اختصاص مصادیق اهل بیت علیهم السلام به زنان پیامبر کارگراست؛ هر چند که دلایل متعددی در جهت دفع پندار یاد شده قابل ارائه است.

۱۰. مهدی، دارای غیبت طویله است.

این گزاره نشان می‌دهد که آموزه غیبت سال‌ها پیش از تولد حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. برای نمونه، صاحب‌مثنوی، می‌سراید:

پس امام حی قائم آن ولی ست  
مهدی و هادی وی است ای راه‌جوی  
خواه از نسل عمر خواه از علی است  
هم نهان و هم نشستہ پیش روی  
(مولوی بلخی، مثنوی معنوی، ص ۲۴۱؛ همچنین نک: کاشفی، حسین بن علی، لب لباب مثنوی، ۲/ ۲۵۸؛ شهیدی، سید جعفر، شرح مثنوی، دفتر دوم، ص ۱۶۸).

۲. التجاشی، احمد، الفهرست، ص ۸۶.

در آثار روایی ثبت و ضبط شده است. از این رو، پندار آن دسته از محققانی که کوشیده‌اند آغاز ترویج آموزه غیبت را به دوران پس از غیبت کوتاه نسبت دهند، صحیح نیست.

۱۱. غیبت طولانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امتحان خداوند است. بسیاری از افراد به خاطر غیبت طولانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گمراه می‌شوند.

با توجه به نصوص روایی، وجه اصلی حکمت غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مردم پوشیده است.<sup>۱</sup> از این رو، این گزاره از یکی از آثار غیبت آن حضرت حکایت می‌کند.

۱۲. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جوان‌ترین امامی است که به امامت می‌رسد.

با توجه به آغاز امامت امام نهم در سن هفت یا هشت سالگی، این گزاره از خردسالی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز امامت حکایت می‌کند. از این رو، آن حضرت در واپسین سال‌های عمر پدر بزرگوار خود به دنیا آمده‌اند.

۱۳. تولد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مردم پوشیده است.

این امر شاهد دیگری است که نشان می‌دهد غیبت آن حضرت از زمان تولد و حتی پیش از آن (دوران بارداری مادر ایشان) آغاز شده است، نه آنکه شروع غیبت ایشان از زمان شهادت پدر باشد.

۱۴. جسم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دیده نمی‌شود.

این گزاره، تأکیدی دیگر است بر آموزه غیبت.

۱۵. تأویل آیات «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» و «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ»<sup>۲</sup> به موضوعات مهدوی از جمله غیبت و خروج قائم. اگرچه این روایات در زمره روایات تفسیری قرار می‌گیرند، اما به سبب فایده آنها در پاسخ به شبهه برخی از وهابیان معاصر مبنی بر سکوت قرآن در باب مهدویت و

۱. نک: شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین وتمام النعمة، ۴۸۲/۲.

۲. الذاریات: ۲۲.



نمود هیچ آیه‌ای در این موضوع، در فهرست نتایج کلامی روایات ارائه شده قرار داده شده است.

## نتیجه

اخبار المهدی ابوسعید رواجی از طریق برخی از شاگردان او به دیگر حوزه‌ها و مدارس حدیثی راه یافته است. بخش‌های مهمی از روایات این اثر همینک از دو کتاب الغیبه، نگاشته نعمانی (م ۳۶۰) و دلائل الإمامة و برخی دیگر از منابع، قابل بازسازی است. افزون بر اخبار المهدی، دیگر روایات مهدوی مؤلف مذکور را می‌توان در اصل برجای مانده از او جست و جو کرد. بنا بر تحقیق، کلینی (م ۳۲۹) این اصل را در اختیار داشته و از آن گزارش کرده است. شیخ صدوق (م ۳۸۱) نیز به طور شفاهی به پاره‌ای از روایات آن دسترسی داشته است. افزون بر اخبار المهدی و اصل مذکور، روایات مهدوی دیگری نیز از ابوسعید رواجی گزارش شده‌اند که در دو کتاب مفقود او، المناقب و المعرفة فی الصحابه درج شده بوده است. مطالعه این روایات، افزون بر آن که از اصالت پاره‌ای معتقدات مکتب امامیه حکایت می‌کند، بیان‌گر هم‌گرایی زیدیّه متقدم در پاره‌ای از باورهای امامتی و مهدویتی با شیعه امامیه است. حصر تعداد امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به دوازده تن، پوشیده بودن تولد حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَّهَ الشَّرِيفُ به عنوان آخرین امام، و آغاز امامت ظاهری او در خردسالی و غیبت طولانی او از معتقدات مهم امامیه هستند که در نگاشته‌های حدیثی نیمه نخست سده سوم، یعنی پیش تولد آن حضرت قابل ردیابی‌اند.

\*قرآن کریم.

ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، فضایل أمير المؤمنين عليه السلام، تحقیق: حرزالدین، عبد الرزاق، دلیل ما، قم، ۱۴۲۴ ق.

ابن ابی شیبیه، ابوبکر، المصنف، تحقیق: کمال یوسف الحوت، الرشد، الرياض، ۱۴۰۹ ق.

ابن ابی عاصم، الأحاد والمثنائی، تحقیق: باسم فیصل، دارالرایة، الرياض، ۱۴۱۱ ق.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، التفسیر، تحقیق: محمد الطیب اسعد، الطبعة الثالثة: نزار مصطفى الباز، عربستان، ۱۴۱۹ ق.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن، الجرح والتعديل، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۱ ق.

ابن أخی، محمد، الفوائد، تحقیق: نبیل جرار، داراضواء السف، الرياض، ۱۴۲۰ ق.

ابن الجعد، علی، المسند. نادر، بیروت، ۱۴۱۰ ق.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الأمالی، الطبعة السادسة: کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الخصال، تحقیق: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۲ ش.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، ترجمه: صادق حسن زاده، ارمغان طوبی، تهران، ۱۳۸۲ ش.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ ش.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا عليه السلام، تصحیح: مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، کمال الدین وتمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، الطبعة الثانية: الإسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ ق.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، التشر الإسلامی، قم، ۱۴۰۳ ق.

ابن بشران، عبدالملک، الأمالی، تحقیق: أحمد سلیمان، دارالوطن، الرياض، ۱۴۲۰ ق.

ابن بطة، عبیدالله، الإبانة الكبرى، تحقیق: حمد التویجری، دار الرایة، الرياض، ۱۴۲۹ ق.

ابن حبان، محمد، المجروحین، تحقیق: محمود زائد، دارالوعی، حلب، ۱۳۹۶ ق.

ابن حجر، أحمد، تهذیب التهذیب، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

ابن حزم، علي بن احمد الأندلسي، الفصل في الملل والأهواء والنحل، مكتبة الخانجي، القاهرة، بي تا.

ابن حماد، نعيم، الفتن، تحقيق: سهيل زكار، دار الفكر، بيروت، ١٤١٤ ق.

ابن حنبل، احمد، المسند، مؤسسة قرطبة، قاهره، بي تا.

ابن حيون، نعمان، شرح الاخبار، تحقيق: محمد حسين حسيني جلالى، دفتر انتشارات اسلامي وايسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم، ١٤٠٩ ق.

ابن خزيمه، محمد، التوحيد، تحقيق: الشهوان، عبدالعزيز، الطبعة الخامسة: الرشد، الرياض، ١٤١٤ ق.

ابن خزيمه، محمد، الصحيح، تحقيق: محمد مصطفى الأعظمى، المكتب الإسلامى، بيروت، ١٣٩٠ ق.

ابن طاووس، سيد على بن موسى بن جعفر، اليقين باختصاص مولانا على عليه السلام بإمرة المؤمنين، تحقيق: اسماعيل انصارى زينجاني، دار الكتاب، قم، ١٤١٣ ق.

ابن عدى، الكامل فى ضعفاء الرجال، تحقيق: غزاوى، مختار، الطبعة الثالثة: دار الفكر، بيروت، ١٤٠٩ ق.

ابن قتيبه، عبدالله الدينورى، عيون الاخبار، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٤١٨ ق.

ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، تحقيق: عبد الحسين امينى، المرتضوية، نجف، ١٣٥٦ ش.

ابن قيسرانى، محمد، تذكرة الحفاظ، تحقيق: عبد المجيد حمدى، دار الصمىعى، الرياض، ١٤١٥ ق.

ابن قيسرانى، محمد، ذخيرة الحفاظ، تحقيق: عبد الرحمن الفريوائى، دار السلف، الرياض، ١٤١٦ ق.

ابن ماجه، محمد، السنن، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار الفكر، بيروت، بي تا.

ابوالمعاطى، السيد النورى، موسوعة اقوال الدارقطنى، تحقيق: أشرف منصور والآخران، بي تا، بي تا.

ابوداود، سليمان السجستاني، السنن، دار الكتاب العربى، بيروت، بي تا.

أبوزرعة، عبيدالله، الضعفاء وأجوبة الرازي على سؤالات البرذعي، تحقيق: سعدى الهاشمى، دارالوفاء، المدينة، ١٤٠٩ ق.

ابوعوانه، يعقوب بن اسحاق، المستخرج، دار المعرفة، بيروت، ١٤٠٩ ق.

ابونعيم، احمد بن عبدالله، حلية الأولياء وطبقات الاصفياء، الطبعة الرابعة: دار الكتاب العربى، بيروت، ١٤٠٥ ق.

الأشعري، ابوالحسن علي، مقالات الإسلاميين واختلاف المصلين، تحقيق: هلموت ريتز، دار احياء التراث العربي، بيروت، بي.تا.

أشعري، سعد بن عبد الله، المقالات والفرق، ترجمه: محمد جواد مشكور، انتشارات عطايي، تهران، ۱۳۷۱ ش.

الأصبهاني، ابونعيم احمد، حلية الأولياء، تحقيق: عصام الدين الصبابتى، الطبعة الثانية: بي.نا، قاهره، ۱۴۱۳ ق.

الأصفهاني، ابوالفرج، مقاتل الطالبين، تحقيق: كاظم المظفر، الطبعة الثانية: دار الكتاب، قم، ۱۳۸۵ ق.

الأجري، ابوبكر، الشريعة، تحقيق: عبد الله الدميجي، الطبعة الثالثة: دار الوطن، رياض ق. ۱۴۲۰.

[الأملي الصغير، محمد؟]، دلائل الإمامة، انتشارات بعثت، قم، ۱۴۱۳ ق.

الأملي الكبير، محمد، المسترشد، انتشارات كوشانيور، قم، ۱۴۱۵ ق.

البخاري، محمد، الجامع الصحيح [صحيح البخاري]، تحقيق: مصطفى ديب البغا، دار ابن كثير، بيروت، ۱۴۰۷ ق.

البخاري، محمد، تاريخ الأوسط، تحقيق: إبراهيم، محمود، دار الوعي، حلب، ۱۳۹۷ ق.

البخاري، محمد، تاريخ الكبير، تحقيق: الندوي، السيد هاشم، دار الفكر، بيروت، بي.تا.

البرقي، أحمد، المحاسن، تحقيق: جلال الدين محدث، دار الكتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق.

البيزار، أحمد، المسند (البحر الزخار)، تحقيق: محفوظ زين الله، مكتبة العلوم والحكم، المدينة، ۱۴۰۹ ق.

البغدادي، أحمد الخطيب، تاريخ بغداد، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۷ ق.

البغدادي، أحمد الخطيب، شرف اصحاب الحديث، دار احياء السنه النبويه، أنقرة، ۱۳۸۹ ق.

بلخي، محمد، مثنوي معنوي، تصحيح: بديع الزمان فروزان فر، غيوري، تهران، ۱۳۷۹ ش.

الترمذي، محمد، السنن، تحقيق: محمد شاكر والآخرون، دار احياء التراث العربي، بيروت، بي.تا.

التميمي، عبد القاهر طاهر البغدادي، الفرق بين الفرق وبيان الفرقه الناجيه، الطبعة الثانية: دار آفاق الجديده، بيروت، ۱۹۷۷ م.

الجاحظ، عمرو بن بحر، البيان والتبيين، دار مكتبة هلال، بيروت، ۱۴۲۳ ق.

جاسم، حسين، تاريخ سياسى غيبى امام دوازدهم، ترجمه: محمد تقى آيت اللهي، چاپ پنجم: امير كبير، تهران، ۱۳۹۲ ش.

الحاكم، محمد، المستدرک علی الصحیحین مع التلخیص الذهبي، تحقيق: عبدالقادر عطا، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١١ ق.

الخزازی، علی، كفاية الأثر، تحقيق: عبداللطيف كوهكمري، انتشارات بيدار، قم، ١٤٠١ ق.

الخويي، السيد أبوالقاسم، معجم رجال الحديث، الطبعة الخامسة: الصدر، قم، ١٤١٣ ق.

الذهبي، محمد، تاريخ الإسلام، تحقيق: عمر التدمري، دار الكتاب العربي، بيروت، ١٤٠٧ ق.

الذهبي، محمد، سير أعلام النبلاء. الطبعة الرابعة: الرسالة، بيروت، ١٤١٠ ق،

الزركلي، خير الدين، الأعلام، الطبعة الخامسة: دار العلم الملايين، بيروت، ١٩٨٠ م.

سعدان، المخرمي البزاز، الجزء، تحقيق: عبد المنعم ابراهيم، دار الباز، مكة، ١٤٢٠ ق.

شبيرى زينجاني، سيد موسى، التعليقات الرجالية على كتب الحديث، مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى نور، قم، (نسخه ديڤيتال).

شهيدى، سيد جعفر، شرح مثنوى، چاپ سوم: انتشارات علمى و فرهنگى، تهران، ١٣٨٠ ش.

شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، تصحيح: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، كنگره شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ ق.

شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الأمالي، كنگره شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ ق.

صفار قمي، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، تصحيح: محسن كوجه باغى، الطبعة الثانية: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ١٤٠٤ ق.

الطبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الأوسط، تحقيق: طارق - الحسينى، دار الحرمين، قاهره، ١٤١٥ ق.

الطبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقيق: ابن عبد المجيد حمدى، الطبعة الثانية: مكتبة العلوم والحكم، قاهره، ١٤٠٤ ق.

الطبرى، محمد، تاريخ الأمم والملوك، الطبعة الرابعة: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٣ ق.

الطبرى، محمد، جامع البيان، دار الفكر، بيروت، ١٤١٥ ق.

طوسى، محمد بن حسن (شيخ طوسى)، الإستبصار، تحقيق: الحسن الموسوى، دار الكتب الإسلامية، تهران، ١٣٩٠ ق.

طوسى، محمد بن حسن (شيخ طوسى)، الأمالي، دار الثقافة، قم، ١٤١٤ ق.

طوسى، محمد بن حسن (شيخ طوسى)، الرجال، تحقيق: قيومى، جواد، الطبعة الثالثة: النشر الاسلامى، قم، ١٣٧٣ ش.

- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، الغيبة، دار المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ ق.
- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، الفهرست، مكتبة المحقق الطباطبائي، قم، ۱۴۲۰ ق.
- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، تهذيب الأحكام، تحقيق: الحسن الموسوي، الطبعة الرابعة: دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- الظهري، آقا بزگ، الذريعة، الطبعة الثالثة: دار الأضواء، بيروت، ۱۴۰۳ ق.
- الطيالسي، سليمان، المسند، تحقيق: محمد التركي، دار هجر، مصر، ۱۴۱۹ ق.
- عدة من العلماء، الأصول الستة عشر، دار الشبستري، قم، ۱۳۶۳ ش.
- القمي، علي، التفسير، تحقيق: طيب موسوي جزائري، الطبعة الثالثة: دار الكتب، قم، ۱۴۰۴ ق.
- كاشفي، كمال الدين حسين بن علي، لب لباب مثنوي، تصحيح: دين محمد دركزي، انتشارات سرو، سراوان، ۱۳۹۵ ش.
- الكرجكي، محمد، كنز الفوائد، تحقيق: عبدالله نعمة، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.
- الكليني، محمد، الكافي، الطبعة الرابعة: دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- الكوفي، فرات، التفسير، تحقيق: محمد الكاظم، وزارة الإرشاد، تهران، ۱۴۱۰ ق.
- المجلسي، محمد تقى، روضة المتقين، تحقيق: موسوي اشتهازي، الطبعة الثانية: كوشانپور، قم، ۱۴۰۶ ق.
- المجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۳ ق.
- المزني، يوسف بن عبد الرحمن، تهذيب الكمال في أسماء الرجال، مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۴۰۶ ق.
- [المسعودي، علي؟]، اثبات الوصية، الطبعة الثالثة: انصاريان، قم، ۱۳۸۴ ش.
- التجاشي، أحمد، الفهرست، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم، ۱۳۶۵ ش.
- النعمانى، محمد، الغيبة، تحقيق: علي اكبر غفارى، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.
- النوبختي، حسن بن موسى، فرق الشيعة، الحيدريه، نجف، ۱۳۵۵ ق.
- التوري، حسين بن محمد تقى، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، ۱۴۰۸ ق.
- النيسابوري، مسلم بن حجاج، الجامع الصحيح، تحقيق: محمد فواد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي، بيروت.

هانسی، ادريس، الامام المهدي حقيقة تاريخية؟ أم فرضية فلسفية؟ (مع أحمد الكاتب)، دار المحجة البيضاء، بيروت، ۲۰۱۱ م.

Kohlberg, Etan. "From Imāmiyya to Ithnā-ʿashariyya." *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London* 39, no. 3 (1976), pp. 521-34.

## مقالات

انصاری، حسن، «معمای چند کتاب: از کتاب الأوصیای شلمغانی تا اثبات الوصیه مسعودی»، [ansari.kateban.com/post/1196](http://ansari.kateban.com/post/1196)، 12/4/1399.

جرار، ماهر، «تفسیر ابوالجارود زیاد بن منذر، مقدمه ای در شناخت عقائد زیدیه»، آینه پژوهش، ش ۹۵، زمستان ۱۳۸۴ ش.

ذاکری، محمد تقی و صفری فروشانی، نعمت الله، «رویکرد ابوالمفضل شیبانی به حدیث»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۶۷، تابستان ۱۳۹۹ ش.

رجایی، مهدیه، و قندهاری، محمد مهدی، «نقش احادیث مشهور در شکل گیری باور شیعه به پیوستگی امامت»، فصلنامه امامت پژوهی، ش ۱۷، ۱۳۹۴ ش.

رحمان ستایش، محمد کاظم و فرجامی، اعظم، «تأثیر ابوالجارود بر روایات امامیه»، علوم قرآن و حدیث، ش ۸۸، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ش.

قربانی زرین، رضا، «بررسی قدمت احادیث دوازده امام در الکافی»، فصلنامه امامت پژوهی، ش ۱۲، ۱۳۹۲ ش.

کورانی، علی، «حدیث بشارت رسول خدا به دوازده امام در متون اهل سنت»، فصلنامه امامت پژوهی، ش ۱۲، ۱۳۹۲ ش.

لواسانی، سید محمد رضا، «جستاری در باور زیدیه متقدم به اخبار امامان اثنی عشر؛ مطالعه موردی ابوالجارود»، فصلنامه امامت پژوهی، ش ۱۲، ۱۳۹۲ ش.

موحدی، محمد علی و حشمت پور، محمد حسین، «شخصیت رجالی فزاری»، فصلنامه علوم حدیث، ش ۹۶، تابستان ۱۳۹۹ ش.

موسوی نژاد، سید علی، «آشنایی با زیدیه»، فصلنامه هفت آسمان، ش ۱۱، پاییز ۱۳۸۰ ش.

Madelung, Wilferd "The sources of Ismaili law". *Journal Near Eastern Studies*, (1976), 35 (1), pp 29-40.

Sachedina, Abdulaziz. "A Treatise on the Occultation of the Twelfth Imāmite Imam." *Studia Islamica*, no. 48 (1978) pp. 109-24.